

آیین دادرسی کیفری تطبیقی

سلب آزادی از متهم

در حقوق ایران و انگلستان

تألیف

دکتر آیت‌الله پرویزی فرد

دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

وکیل پایه یک دادگستری و مشاور حقوقی

انتشارات بخت

سرشناسه : پرویزی فرد، آیتاله، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور : آیین دادرسی کیفری تطبیقی سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان / تألیف: آیتاله پرویزی فرد.
 مشخصات نشر : تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۳۲۰ ص.
 شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۶۶-۲
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : آیین دادرسی جزایی - ایران
 موضوع : آیین دادرسی جزایی - انگلستان
 موضوع : زندانیان - وضع حقوقی و قوانین - ایران
 موضوع : زندانیان - وضع حقوقی و قوانین - انگلستان
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ / ۴۱۰ / KM۴۶۱
 رده بندی دیویی : ۳۴۵ / ۵۵۰۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۰۲۷۸۰

www.junglepub.org

عنوان کتاب: آیین دادرسی کیفری تطبیقی سلب آزادی از متهم در حقوق ایران و انگلستان
 تألیف: دکتر آیتاله پرویزی فرد
 ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
 ناظر فنی: امین لشکری
 نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۱
 قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۱-۹۶۶-۲

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)
[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۲۸۳۰-۹-۶۶۴۸۶۱۱۵
 ۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

علائم اختصاری

الف- حروف و علائم اختصاری فارسی

ق.آ.د.ک: قانون آیین دادرسی کیفری (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸)

ق.آ.د.م: قانون آیین دادرسی مدنی (قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹)

ق.ت.د.ع.ا: قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ با اصلاحات ۱۳۸۱

قانون ۱۹۸۴: قانون پلیس و ادله کیفری مصوب ۱۹۸۴ (حقوق انگلستان)

قانون اصلاحی ۸۱: قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب

ق.ا: قانون اساسی

ق.م.ا: قانون مجازات اسلامی

ب- حروف و علائم اختصاری انگلیسی

1- PACE: Police and Criminal Evidence Act

2- C.P.S: Crown Prosecution Service

3- Dpp: Director of Public Prosecutor

حکیده

سلب آزادی از مظنونان و متهمان به لحاظ اهمیت وافر آن در حوزه‌ی آیین دادرسی کیفری، مستلزم بایدها و نبایدهایی است که حتی قبل از شروع و بعد از اختتام آن نیز قواعد ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. لزوم فرهنگ‌سازی در حوزه‌ی اقدام به سلب آزادی و اظهارنظر قانونگذار در موقعیت‌های مختلفی که در حال حاضر به ویژه در مقررات فعلی کشور ایران مسکوت مانده است، بی‌تردید می‌تواند به ارتقاء سطح دادرسی کیفری کمک شایانی کند.

در قوانین و مقررات ایران بر خلاف نظام حقوقی انگلستان، شهروندان به عنوان فاعلان سلب آزادی به رسمیت شناخته نشده‌اند هر چند که در لایحه‌ی جدید آیین دادرسی کیفری این موضوع، پیش‌بینی گردیده است. به هر حال مزیت قانون ایران نسبت به همتای انگلیسی خود، محدودیت پلیس در مدت سلب آزادی است که حداکثر بیست و چهار ساعت است. این موضوع در حالی است که در کشور انگلستان، مدت سلب آزادی توسط پلیس در جرایمی چون جرایم تروریستی بر اساس قانون تروریسم سال ۲۰۰۰ حتی به ۲۸ روز هم می‌رسد.

محدود شدن شمار مقامات مجاز به سلب آزادی، پذیرش و نهادینه کردن امکان نظارت مقامات غیر درگیر در تحقیق بر فرآیند سلب آزادی، تصمیم‌گیری جمعی در باب توقیف افراد، لزوم نظارت مقامات ارشد پلیس و یا مقامات قضایی و تخصص‌گرایی در عمل به مقررات این حوزه، همگی از جمله ضوابطی است که نظام حقوقی انگلستان با دقت بیشتری آنها را تعیین و تبیین نموده است.

به هر حال در شرایط کنونی بر مقنن هر دو کشور است تا ضمن اخراج موضوعات یا اتهامات کم‌اهمیت یا حتی از درجه‌ی متوسط از حوزه‌ی جرایم قابل سلب آزادی و پیش‌بینی یک رکن دفاعی مستقل که امکان تدارک تسهیلات دفاعی برای توقیف‌شدگان را داشته باشد، بر عملی کردن هرچه بیشتر اصل آزادی پافشاری کند. در نظام حقوقی ایران بر خلاف انگلستان مظنونان خاص و آسیب‌پذیر عموماً از امتیازات خاصی بهره‌مند نیستند. توضیح اینکه در نظام حقوقی انگلستان مظنونان کم سن و سال، توقیف‌شدگان مختل‌المشاعر یا عقب‌افتاده ذهنی، نابینایان یا کم‌بینایان، ناشنوایان یا ناتوانان گفتاری و توقیف‌شدگان بیمار هر یک به تفصیل مشمول ضوابطی جداگانه‌اند که به نوبه خود موجب ارتقاء سلامت و دقت فرآیند دادرسی کیفری می‌شوند.

همچنین عدم تفکیک پرونده‌ی توقیف از پرونده‌ی اتهام و توافعی نبودن رسیدگی به فرآیند اعتراض به سلب آزادی و محدودیت متهم یا وکیل او در اظهارنظر پیرامون توقیف پلیسی یا قضایی از جمله ایرادانی است که می‌توان به این نظام حقوقی وارد ساخت.

کلید واژه: جلب، دستگیری، توقیف، دستور قضایی، بازداشت موقت، ضابط، مقام قضایی

مقدمه

آیین دادرسی کیفری آینه تمام نمای حقوق و آزادی‌های افراد و دستگاه سنجش میزان التزام قوای حاکم به ارزش‌های اجتماعی و انسانی است. مسأله سلب آزادی از مظنونان و متهمان به لحاظ ابعاد ایجابی و سلبی آن و آثاری که بر روحیات و شخصیت توقیف شده و نتیجه دعوای کیفری می‌بخشاند، جایگاه ویژه‌ای در حوزه مباحث آیین دادرسی کیفری به خود اختصاص می‌دهد.

آزادی اقسام مختلفی دارد؛ از قبیل: آزادی بیان، عقیده، دین و مذهب، آزادی رفت و آمد، آزادی تجمعات و... که سلب هر یک می‌تواند پژوهشی اختصاصی را به خود اختصاص دهد. مطالعه پیش رو سلب آزادی تن را موضوع خود قرار داده است که قسمی از آزادی رفت و آمد است.

«سلب آزادی تن» به عنوان یکی از اقدامات مؤثر و گاه اجتناب‌ناپذیر در فرایند دادرسی کیفری اصطلاحی عام است که از نقطه آغاز تا پایان آن با عناوین متفاوتی چون دستگیری، جلب، توقیف، تحت نظر و بازداشت موقت شناخته شده و مشمول ضوابط و بایسته‌های مشخص است.

نظام حاکم بر دادرسی کیفری کشور ایران و طبیعتاً سلب آزادی از مظنونان و متهمان، از نظر اصولی نظامی مختلط است و بخش قابل توجهی از فرایند سلب آزادی در محدوده تحقیقات مقدماتی قرار می‌گیرد که به لحاظ تفتیشی بودن آن، شخص توقیف شده با محدودیت‌های متعددی مواجه است. در مقابل نظام حاکم بر حقوق انگلستان، نظامی اتهامی است که تلاش می‌کند حداکثر ترافع ممکن را حتی در مسأله سلب آزادی لحاظ

نماید. استخراج و تلفیق بایسته‌های حاکم بر این دو نظام در مقوله سلب آزادی می‌تواند به پیشرفت نظام دادرسی کیفری کمک شایانی نماید.

الف- بیان مسأله و اهمیت آن

بی‌تردید تقابل اختیار فرد و محدودیت‌های ناشی از زندگی در اجتماع موجب می‌شود که گاه آزادی‌های فردی تحدید و یا در شرایطی سلب گردد. مفهوم آزادی جنبه‌های مختلفی دارد که آزادی رفت و آمد، به این معنا که «شخص در رفت و آمد، اقامت و ترک هر نقطه، چه در کشور و چه در خارج کشور، آزاد باشد...»^۱، یکی از این جنبه‌هاست که در اصول ۳۲ و ۳۳ قانون اساسی^۲ مورد حمایت قرار گرفته است. آزادی رفت و آمد گاه تحدید و گاه سلب می‌گردد.

سلب آزادی رفت و آمد ممکن است در چهارچوب مجاز و قانونمندی باشد که تحت عناوین جلب، توقیف، دستگیری و بازداشت شناخته می‌شود و یا ممکن است به‌طور غیر قانونی و مجرمانه باشد که تحت عناوین آدم‌ربائی، توقیف غیرقانونی، اخفاء، قاچاق انسان یا عناوین مشابه، طرح و بحث و بررسی می‌گردد. به دیگر سخن، سلب آزادی تن، گاه در مجموعه مباحث حقوقی جرایم علیه اشخاص به عنوان یک رفتار مجرمانه مثل «توقیف یا بازداشت غیرقانونی»^۳ موضوع بحث قرار می‌گیرد و گاهی سلب آزادی تن به عنوان یک اقدام قانونی در مجموعه مباحث حقوقی آیین دادرسی کیفری طرح و بحث می‌شود که موضوعاتی چون دستگیری، جلب، توقیف و بازداشت را تحت پوشش قرار می‌دهد.

۱- مدنی، جلال‌الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نشر همراه، ۱۳۷۰، صفحه ۷۶

۲- اصل ۳۲ قانون اساسی مقرر می‌دارد؛ هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترکیبی که قانون معین می‌کند... همچنین مطابق اصل ۳۳ قانون مزبور «هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون معین می‌کند».

۳- آقای نیل، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۶، بنیاد حقوقی میزان، صفحه ۱۳۸ و میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه اشخاص، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶، نشر میزان، صفحه ۴۹۴

اشاراتی چند در راستای تبیین ماهیت دقیق موضوع مورد تحقیق، ضروری است اول اینکه؛ گرچه عنوان پژوهش، «مطالعه تطبیقی سلب آزادی» است اما به دلیل ظهور این عبارت بر سلب آزادی «تن» در ادبیات حقوقی، به ذکر عبارت «سلب آزادی» اکتفا گردیده است.

دوم اینکه؛ با توجه به ذکر واژه‌ی متهم در عنوان مذکور، سلب آزادی تن در کتاب پیش رو با گرایش به سمت و سوی آیین دادرسی کیفری، صرفاً سلب آزادی از طریق قانونمند، موضوع اصلی بحث بوده و بنابراین سعی بر تشریح و تبیین مفاهیمی چون دستگیری، جلب، توقیف و بازداشت در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان و ضوابط ناظر بر فرآیند سلب آزادی خواهد بود.

سوم اینکه؛ توقیف و بازداشت گاهی هر دو مبین وجود استمرار در سلب آزادی هستند لیکن به لحاظ ظهور واژه‌ی بازداشت به قوار بازداشت موقت در زبان حقوقی، این واژه غالباً در سلب آزادی قضایی به کار گرفته شده است و واژه توقیف^۱ بیشتر در سلب آزادی غیرقضایی استعمال شده است.

آخر آنکه، از منظر نظام حقوقی انگلستان، واژه‌های مظنون^۲ و متهم^۳، اصطلاحاتی متمایز بوده و عمدتاً ایراد رسمی اتهام، مرز این دو واژه از یکدیگر محسوب می‌شود، لیکن در مقررات و آثار حقوقی کشور ما به سختی می‌توان این تفکیک را به عمل آورد. بنابر این، به‌طور کلی در طرح و بحث مسائل و موضوعات کتاب نیز، در استعمال این دو لفظ، چنین تفکیکی صورت نگرفته است.

در شرایطی که اصل «منع دستگیری افراد» ایجاب می‌نماید که سلب آزادی تا حد ممکن، محدود شود، اما به هر حال ضرورت تأمین عدالت جزایی و امنیت عمومی، توسل به این ابزار مهم را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. «متهمی که وارد فرآیند کیفری می‌شود، تا زمانی که مسؤولیت کیفری و مجرمیت او طی یک دادرسی عادلانه و منصفانه اثبات نشود، بی‌گناه فرض می‌شود. بی‌تردید، این اصل بر آموزه‌های بنیادین فلسفه‌ی حقوق کیفری ناظر به حرمت آزادی فردی نهاده شده است؛ چه از این منظر اصالت با آزادی فردی است و هیچ چیز سلب یا تحدید آزادی را مشروع یا موجه نمی‌کند جز اینکه متهم، رفتار مجرمانه‌ای

1- Detention

2- Suspect

3- Accused

مرتکب شده و در دادگاه نیز اثبات شده باشد»^۱

به هر حال سلب آزادی از متهم هرچند به کیفیت فوق، دارای یک تعارض ذاتی و جدی با اصل آزادی و فرض برائت است، لیکن توسل به این «شر ضروری»^۲ با عباراتی چون ضرورت تحقیق، تعقیب یا اقدام تأمینی توجیه می‌شود. از اینروست که، در قوانین آیین دادرسی کشورهای مختلف، سلب آزادی از متهم، در شرایطی خاص، به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر به رسمیت شناخته شده است و با توجه به اینکه شاید به جرأت بتوان گفت هیچ یک از نهادهای دادرسی کیفری به اندازه سلب آزادی، مضر به حال و آینده متهم نیست، بنابراین بررسی تمامی جوانب آن و ارائه مهم‌ترین تضمینات و راهکارها از اهمیتی انکارناپذیر برخوردار است.

در عین حال، سلب آزادی از متهم از دو بعد ایجابی و سلبی، پیامدهای نامطلوب به همراه دارد و بدین جهت، اهمیت پرداختن به این موضوع توجیه می‌شود؛

۱- بعد ایجابی: یکی از مهم‌ترین پیامدهای ایجابی سلب آزادی، ایجاد حساسیت و وسواس مرجع رسیدگی در صدور حکم به برائت و خلاصی متهم است. تأثیر سلب آزادی بر تصمیمات بعدی مقامات قانونی و سرانجام دعوا انکارناپذیر است. صرف‌نظر از اینکه سلب آزادی موجب گرایش بیشتر مقام قضایی به محکومیت می‌شود، «نتیجه‌ی مطالعات حاکی از آن است که هر چند متهم پیش از محاکمه، زمان طولانی‌تری را در بازداشت به سر برد، حکم صادره در مورد وی احتمالاً سنگین‌تر می‌شود»^۳ همچنین تغییر شخصیت و فرهنگ فرد و نیز برجسب‌زنی از این‌گونه پیامدهاست.

۲- بعد سلبی: از جنبه سلبی می‌توان به تضییع احتمالی حقوق متهم از رهگذر عدم تساوی سلاح‌ها،^۴ تضعیف جایگاه اجتماعی، زوال قبح مجازات و آبهت دستگاه قضایی، تخدیش بازدارندگی و ارعاب‌انگیزی کیفر حبس در صورت صدور حکم،

۱- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۲، صفحه ۶۹

۲- همان، صفحه ۷۰

۳- چانگ ایملی و دیگران، بازداشت پیش از محاکمه؛ اصلاحات و راه‌حل‌ها (بهترین روش‌های اجرا شده در سطح بین‌المللی برای کاهش زمان بازداشت پیش از محاکمه و بهبود شرایط حبس)، ترجمه مهران مهاجر، تهران، نشر وفاق، ۱۳۸۴، چاپ اول، صفحه ۱۵

بی‌اعتمادی به دستگاه عدالت کیفری و مخرب بودن سلب آزادی از رهگذر آموزش احتمالی بزهکاری در مدرسه تبهکاری، تشویش ذهنی و اضطراب روانی در اثر بلا تکلیفی و تحمیل هزینه بر دستگاه قضایی اشاره کرد.^۱

لطامات سلب آزادی از متهم، همواره متوجه خود متهم یا خانواده و سرنوشت آنها نیست، بلکه گاهی دستگاه عدالت کیفری نیز دچار آسیب می‌شود. تشکیک در صحت اظهارات و اقرار متهمان، ابطال تمام یا بخشی از تحقیقات، نقض احکام یا الزام به جبران خسارت از شخص توقیف شده‌ی بی‌گناه، از جمله آثاری است که ممکن است به دلیل عدم پایبندی به مقررات در طول دوره‌ی سلب آزادی پدیدار گردد.

متأسفانه «سازمان ملل متحد هرچند تاکنون بیش از ۳۰ سند مهم در خصوص پیشگیری از جرم، کنترل مجرمیت رفتار با مجرمان و فراهم کردن و حفظ حقوق بشر منتشر کرده است و نیمی از این اسناد به‌گونه‌ای درباره بازداشت موقت و حقوق متهمانی که آزادی آنها سلب شده، بوده... اما هیچ سندی به شکل مستقل در خصوص این موضوع منتشر نشده است.»^۲ و سلب آزادی از متهمان، علی‌رغم اهمیت و آثار مختص به خود، همچنان فاقد یک سند جهانی یا بین‌المللی مستقل است.

نظام قانونی ایران در خصوص سلب آزادی از متهمان به سه مرحله قابل تقسیم است: مرحله اول سلب آزادی پلیسی محض است که از آن به عنوان «تحت نظر» یاد می‌شود و مستند آن ماده ۱۸ و ۲۴ ق.آ.د.ک و مبنای آن جرم مشهود به کیفیت مطرح در ماده ۲۱ همین قانون است.

مرحله دوم یا بینابین را می‌توان به دورانی از سلب آزادی اطلاق کرد که متهم بدون اینکه در جرم مشهود و بر اساس اختیارات مستقل پلیسی دستگیر شده باشد، متعاقب جلب، تحت مراقبت ضابطان یا مقام قضایی است، بدون اینکه در خصوص وی قرار بازداشت موقت صادر شده باشد.

۱- الهی‌منش، محمدرضا، قرار بازداشت موقت و جایگزین‌های آن در حقوق ایران و فرانسه، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۹، صفحه ۷۲
۲- آشوری، محمد، پیشین، صفحه ۷۱

مستند قانونی این دوران را می‌توان تبصره ماده ۱۲۳^۱ و ماده ۱۲۷^۲ ق.آ.د.ک در نظر گرفت.

مرحله سوم سلب آزادی را می‌توان دورانی در نظر گرفت که متهم با صدور قرار بازداشت موقت روانه زندان می‌شود و با فک، تخفیف، انقضاء مدت قرار یا صدور حکم بر برائت، آزاد و یا با محکومیت قطعی به دوران اجرای حکم قدم می‌گذارد.

مراحل اول و دوم سلب آزادی در آثار حقوقی به خوبی طرح و تبیین نشده‌اند و تکیه غالب در تحقیقات مربوطه، مرحله سوم از سلب آزادی که به نام «بازداشت موقت» شناخته می‌شود، است. متقابلاً تکیه غالب نظام حقوقی انگلستان، هم در بحث تألیفات و هم در قانون‌نویسی بر مراحل اولیه سلب آزادی است. هرچند این اختلاف را می‌توان ناشی از وسعت اختیارات پلیس انگلستان در سلب آزادی از متهمان و محدودیت پلیس ایرانی از نظر قانونی دانست، با این وجود طرح و تلفیق مباحث مربوطه دو کشور که دو نظام قانونی متفاوت را تجربه کرده‌اند، بی‌تردید مفید خواهد بود و از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

از سوی دیگر، لزوم آشنایی هرچه بیشتر با نظام حقوقی پیش گفته از یک طرف و شناخته شدن این کشور به عنوان یک عضو برجسته گروه کامن‌لا و نظام اتهامی در دادرسی‌های جزائی از طرف دیگر، موجب می‌شود تا با ارائه و تلفیق مباحث مربوط به سلب آزادی با مباحث و مقررات کشور ایران که دارای نظامی مختلط است، بهترین راهکارها در فرآیند سلب آزادی طرح و توسعه یابند.

در حقوق انگلیس، قانون به معنی خاص (قانون مصوب پارلمان^۳) و آیین‌نامه‌های متنوعی^۴ که مقامات اجرایی در اجرای قانون تصویب کرده‌اند، در کنار آرای قضایی (در پرتو

۱- تبصره ماده ۱۲۳ ق.آ.د.ک: «مأمورین مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند و در صورتی می‌توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحاء آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از ۲۴ ساعت بدون اجازه مقام قضایی ندارند».

۲- ماده ۱۲۷ ق.آ.د.ک مقرر می‌دارد: «قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف ۲۴ ساعت مبادرت به تحقیق نماید در غیر این صورت بازداشت غیرقانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد».

3- Act of parliament, Statute

4- Codes of practice

قاعده سابقه^۱ دو منبع مهم این نظام حقوقی را تشکیل می‌دهند.^۲ در مباحث مربوط به سلب آزادی نیز تکیه بر این دو منبع به تناسب اهمیت آنها، بیش از سایر منابع است. در حوزه‌ی سلب آزادی پلیسی یا غیرقضایی، قانون ۱۹۸۴^۳ که با نام اختصاری PACE شناخته می‌شود، به همراه اصلاحات متعاقب آن از جمله قانون پلیس و جرم سازمان یافته‌ی شدید ۲۰۰۵^۴، به عنوان اصلی‌ترین مستندات قانونی شناخته می‌شوند، هرچند که قوانین دیگری نیز به تناسب مباحث، تشریح و مورد استناد قرار گرفته‌اند. نظام حقوقی انگلستان گرچه به عنوان یک عضو گروه کامن‌لا، در طول تاریخ اهمیت کمتری برای قانون در نظر گرفته است، اما با دقتی باورنکردنی، به صورت مستمر قوانین خود را رصد نموده و در حال اصلاح و ارتقاء آنهاست.

سلب آزادی از مظنونان و متهمان، هم در کشور ایران و هم در کشور انگلستان، موضوع مقررات داخلی و تعهدات بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۵ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گرفته است. در این کتاب تلاش می‌شود تا با بحث و بررسی مقررات دو کشور، نقاط قوت و ضعف هر یک را طرح و تبیین نموده و بهترین راهکارهای مربوطه ارائه گردد.

در آخر این نکته قابل ذکر است که متأسفانه نظام حقوقی کشور انگلستان به عنوان

1- rule of Precedent

(الزام به رعایت قواعدی که قضات وضع کرده‌اند و احترام گذاردن به سوابق قضایی مطابق با منطق نظام حقوقی)

۲- داوید، رنه و ژوفره اسپینوزی، کامی، درآمدی بر حقوق تطبیقی و دو نظام بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه و تلخیص سید حسین صفایی، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۷۶، صفحه ۲۰۶

3- Police and Criminal Evidence Act 1984

4- Serious Organized Crime and Police Act 2005

۵- این میثاق جزو اسناد معاهده‌ای سازمان ملل می‌باشد که کمیته ناظر بر اجرای درست مفاد آن «شورای حقوق بشر» می‌باشد به موجب پروتکل شماره (۱) آن شهروندان کشورهای عضو می‌توانند شکایات خود را به این کمیته جهت بررسی ارسال کنند. کشور ایران هنوز به پروتکل یادشده نپیوسته اما یکی از تصویب‌کنندگان این میثاق است که مطابق ماده ۹ قانون مدنی باید همدریف با قانون، آن را مراعات و اجرا نماید (دیوید اویسبراد، رفتار با متهم با توجه به مواد ۱۴ و ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مترجم: فریده طه، قسمت دوم، فصلنامه‌ی مطالعات پیشگیری از جرم، نشریه پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، سال اول، شماره چهارم، پاییز ۸۶ صفحه ۱۸۱)

یکی از برجسته‌ترین کشورهای مجموعه نظام کامن‌لا، علیرغم گرایش شدید به قوانین موضوعه^۱ در سال‌های اخیر، در کشور ما کمتر مورد توجه حقوقی قرار گرفته است. بنابراین تحقیق و تدقیق در مقررات این نظام حقوقی و تطبیق آن با مقررات داخلی می‌تواند در ارتقاء سطح نظام آیین دادرسی کیفری مفید و مؤثر باشد. گرایش جامعه جهانی به سمت و سوی اتهامی کردن هرچه بیشتر دادرسی کیفری نیز خود مبین میزان اهمیت این موضوع است.

ب- ضرورت و هدف تحقیق

پذیرش مفاهیم حقوق بشری در قلمرو حقوق کیفری عصر حاضر، به ویژه در حوزه‌ی آیین دادرسی کیفری از یک سو و ضرورت برخورد و مقابله نظام‌مند با جرایم و متهمان از سوی دیگر، ایجاب می‌نماید که مقررات دادرسی کیفری وظیفه حفظ تعادل بین لزوم رعایت حقوق بشر و تأمین امنیت عمومی را به بهترین شکل به انجام برساند.

در اثنای اجرای این وظیفه یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق بشر یعنی آزادی رفت و آمد احتمالاً سلب می‌شود. ضرورت کمک به قانونگذار، که هم‌اکنون در حال تصویب قانون جدید آیین دادرسی است، به منظور شناخت هرچه بهتر و بیشتر بایدها و نبایدهای این حوزه، ضرورت طرح و تبیین جنبه‌های مجهول قضیه و ارائه راهکارهای در خور و شایسته و نیز ضرورت روشن‌گری حقوقی و تطبیق مفصل مقررات داخلی با یک نظام حقوقی شناخته شده، ضرورت مطالعه حاضر را به خوبی نمایان می‌سازد.

هدف از پرداختن به تحقیق حاضر، مطالعه تفصیلی و دقیق مراحل مختلف سلب آزادی از مظنونان و متهمان و تشریح حقوق آنها به منظور نیل به وضعیت مطلوب علمی و حقوقی در این حوزه است.

سلب آزادی به عنوان یک اقدام بسیار مهم در فرآیند دادرسی جزایی شناخته می‌شود. غالب موضوعات و مطالب پیرامونی این مفهوم، مربوط به یکی از دو روی سکه‌ی سلب آزادی هستند که در یک طرف فاعل سلب آزادی است و در طرف دیگر مفعول آن یعنی شخص موضوع سلب آزادی. رفتارهای مجاز، حقوق و تکالیف، بایدها و نبایدها همگی به یکی از این دو، مرتبط می‌شود. نظر به اینکه اولاً در سلب آزادی از هر یک نفر متهم، چند

مقام یا مسؤول، دخالت دارند و بدینسان کثرت فاعل در مقابل مفعول سلب آزادی، قابل اعتناست و ثانیاً بایسته‌های فاعل سلب آزادی به جهت اینکه فاعل، ذاتاً احکام بیشتری را نسبت به مفعول به خود اختصاص می‌دهد، بنابراین سازماندهی پژوهش حاضر بر اساس دو بخش، صورت پذیرفته است؛ بخش اول به «اشخاص مجاز به سلب آزادی» اختصاص پیدا کرده است و در بخش دوم «ضوابط سلب آزادی» مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. در بخش اول، اشخاص مجاز به سلب آزادی، به اعتبار سمت قضایی که ممکن است دارا باشند، تحت دو فصل با عناوین «مقامات قضایی» و «غیرقضایی» تقسیم‌بندی شده‌اند که هر یک به تناسب، مباحث و گفتارهای زیرمجموعه خود را تحت پوشش قرار می‌دهند. در یک نگاه کلی در می‌یابیم که ضوابط سلب آزادی (عنوان بخش دوم) اصطلاحی عام و کلی است که هم تکالیف مقامات سلب آزادی و هم حقوق شخص موضوع سلب آزادی را در بر می‌گیرد. بنابراین این بخش به دو فصل تقسیم گردیده و در فصل اول، تکالیف مقامات اعم از قضایی یا غیرقضایی تشریح و تبیین شده و در فصل دوم، مشروح حقوقی که توقیف‌شدگان از ابتدا تا انتهای فرآیند سلب آزادی مستحق آن هستند، مثل حق سکوت^۱ مورد بررسی قرار گرفته است.

۱- جهت مطالعه تفصیلی و اختصاصی حق سکوت ملاحظه کنید؛

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

بخش اول: اشخاص مجاز به سلب آزادی

فصل اول: مقامات قضایی.....	۵
مبحث اول: احصاء مقامات قضایی.....	۶
گفتار اول: مقامات تعقیب و تحقیق.....	۶
بند اول: سلب آزادی توسط مقام تعقیب.....	۷
الف- نقش تصمیم‌ساز مقام تعقیب در سلب آزادی.....	۹
ب- نقش نظارتی مقام تعقیب در سلب آزادی.....	۱۰
بند دوم: سلب آزادی توسط مقام تحقیق.....	۱۱
گفتار دوم: مقامات دادرسی.....	۱۲
بند اول: مقامات دادرسی تالی.....	۱۳
الف- محاکم با قاضی واحد.....	۱۳
ب- محاکم با قضات متعدد.....	۱۵
بند دوم: مقامات دادرسی عالی.....	۱۶
الف- دادگاه تجدیدنظر استان.....	۱۶
ب- دیوان عالی کشور.....	۲۰
مبحث دوم: اختیارات مقام قضایی.....	۲۰

گفتار اول: اختیار صدور دستور جلب	۲۰
بند اول: جلب در وضعیت‌های عادی	۲۱
الف- شرایط صدور برگ جلب	۲۱
۱- صدور و ابلاغ احضاریه	۲۱
۲- عدم حضور بدون عذر موجه	۲۴
ب- ضوابط اجرای دستور جلب	۲۵
۱- ممنوعیت استفاده از زور	۲۵
۲- محدودیت جلب به زمان و مکان	۲۵
بند دوم: جلب در وضعیت‌های استثنایی	۲۶
الف- جلب بدون احضار	۲۶
ب- جلب با استفاده از زور	۲۸
ج- جلب سیار	۲۹
گفتار دوم: اختیار صدور دستور بازداشت	۳۳
بند اول: بازداشت بدون صدور قرار بازداشت (قبل از ایراد اتهام)	۳۳
الف- جرایم عادی	۳۴
ب- جرایم خاص	۳۸
بند دوم: بازداشت با صدور قرار بازداشت (بعد از ایراد اتهام)	۴۲
الف- ضوابط و موارد	۴۲
۱- ضوابط و موارد مندرج در قوانین عام	۴۳
۲- ضوابط و موارد مندرج در قوانین خاص	۵۱
ب- مدت سلب آزادی	۵۳
ج- کیفیت و تشریفات صدور قرار	۵۸
د- محل بازداشت موقت	۶۰
۱- بازداشتگاه امنیتی	۶۲
۲- بازداشتگاه موقت	۶۳
۳- بازداشتگاه عمومی	۶۴
۴- بازداشتگاه کانون	۶۷

۶۹	فصل دوم: مقامات غیر قضایی
۶۹	مبحث اول: ضابطان دادگستری
۷۰	گفتار اول: تعریف و انواع ضابطان
۷۰	بند اول: تعریف ضابط و تفاوت آن با پلیس
۷۱	بند دوم: انواع ضابطان
۷۲	الف- حقوق ایران
۷۲	۱- ضابطان عام
۷۴	۲- ضابطان خاص
۷۵	۱- ۲- ضابطان خاص موضوع قانون آیین دادرسی کیفری
۷۸	۲- ۲- ضابطان خاص موضوع قوانین خاص
۸۳	ب- ضابطان در حقوق انگلستان
۸۴	۱- نیروهای پلیس منطقه‌ای
۸۴	۲- نیروهای پلیس ویژه
۸۵	۳- سازمان‌های غیر پلیسی اجرای قانون
۸۵	۴- مأموران متفرقه
۸۶	۵- مأموران کشورهای بیگانه در پادشاهی متحد بریتانیا
۸۸	گفتار دوم: نظام سلب آزادی توسط ضابطان
۸۹	بند اول: نظام عمومی سلب آزادی توسط ضابطان
۸۹	الف- نظام حاکم بر دستگیری
۸۹	۱- مبانی و مستندات دستگیری
۹۴	۲- شروط دستگیری
۹۴	۱- ۲- مشهود بودن بزه ارتكابی
۹۵	۲- ۲- فقدان فاصله زمانی بین ارتكاب جرم و اعمال اختیارات ضابطان
۹۵	۳- ۲- لزوم وجود ظن متعارف ضابط
۱۰۲	۳- اهداف سلب آزادی
۱۰۳	۱- ۳- اهداف رسمی (قانونی)
۱۰۳	۱- ۱- ۳- هدف حمایتی
۱۰۴	۲- ۱- ۳- هدف پیشگیرانه

- ۳-۱-۳- تضمین عدالت کیفری ۱۰۶
- ۳-۲-۳- اهداف غیر رسمی ۱۰۷
- ۴- ضرورت دستگیری ۱۰۹
- ب- نظام حاکم بر توقیف ۱۱۷
- ۱- موارد و مستندات ۱۱۷
- ۲- انواع توقیف ۱۱۹
- ۱-۲- توقیف غیر جزایی ۱۲۰
- ۲-۲- توقیف بعد از دستگیری (قبل از تفهیم اتهام) ۱۲۱
- ۳-۲- توقیف بعد از تفهیم اتهام ۱۲۳
- ۳- مدت توقیف ۱۲۴
- ۱-۳- قبل از ایراد اتهام ۱۲۴
- ۲-۳- بعد از ایراد اتهام ۱۲۹
- ۴- محل توقیف ۱۳۰
- ۱-۴- شرایط توقیف و توقیفگاه ۱۳۰
- ۲-۴- ثبت وقایع در محل توقیف ۱۳۱
- بند دوم: نظام خاص سلب آزادی توسط ضابطان ۱۳۱
- الف- نظام حاکم بر موارد خاص ۱۳۱
- ۱- سلب آزادی در جرایم تروریستی ۱۳۱
- ۱-۱- مستند قانونی اختیارات ۱۳۶
- ۲-۱- محل توقیف ۱۳۷
- ۳-۱- احراز هویت و ضبط صوتی و تصویری بازجویی ها ۱۳۷
- ۴-۱- بازبینی و تداوم توقیف ۱۳۷
- ۲- سلب آزادی به خاطر اخلاف در نظم ۱۴۰
- ب- نظام حاکم بر مظنونان خاص و آسیب پذیر ۱۴۲
- ۱- توقیف شدگان کم سن و سال ۱۴۳
- ۲- توقیف شدگان مختل المشاعر یا عقب افتاده ی ذهنی ۱۴۵
- ۳- توقیف شدگان نابینا یا کم بینا ۱۴۷
- ۴- توقیف شدگان ناشنوا یا ناتوان گفتاری ۱۴۷

۱۴۸	۵- توقیف‌شدگان بیمار
۱۴۹	مبحث دوم: شهروندان
۱۵۰	گفتار اول: موارد و مستندات
۱۵۸	گفتار دوم: تشریفات پس از دستگیری
۱۵۸	بند اول: انتقال فوری به مراجع قانونی
۱۵۹	بند دوم: ابلاغ دلایل
۱۶۲	نتیجه‌گیری

بخش دوم: ضوابط حاکم بر سلب آزادی

۱۶۹	فصل اول: تکالیف مقام سلب آزادی
۱۷۰	مبحث اول: تکالیف ناظر بر اقدام به سلب آزادی
۱۷۰	گفتار اول: تکالیف مقام قضایی
۱۷۰	بند اول: لزوم ایراد اتهام
۱۷۱	بند دوم: لزوم تحقیق فوری از متهم
۱۷۳	بند سوم: لزوم ابلاغ قرارها و تصمیمات مربوط به سلب آزادی
۱۷۵	گفتار دوم: تکالیف ضابطان
۱۷۵	بند اول: تفتیش اشخاص بعد از دستگیری
۱۷۶	بند دوم: انتقال فوری به اداره پلیس
۱۸۰	بند سوم: اخطار قانونی
۱۸۱	مبحث دوم: تکالیف ناظر بر نگهداری در شرایط سلب آزادی
۱۸۲	گفتار اول: تکالیف ناظر بر اقدامات اولیه در اداره پلیس
۱۸۴	بند اول: تکالیف افسر بازداشت
۱۸۴	الف- تصمیم برای توقیف یا آزادی
۱۸۸	ب- تشکیل پرونده‌ی بازداشت
۱۹۱	ج- تعیین تکلیف در خصوص اموال توقیف‌شده
۱۹۳	بند دوم: تکالیف سایر ضابطان
۱۹۳	گفتار دوم: تکالیف ناظر بر رفتار با توقیف‌شدگان در طول توقیف

بند اول: بازجویی و تحقیق صحیح از توقیف‌شدگان.....	۱۹۴
الف- بازجویی خارج از اداره پلیس.....	۱۹۶
ب- بازجویی در اداره پلیس.....	۱۹۷
۱- لزوم تشکیل پرونده بازجویی.....	۲۰۱
۲- ضبط صورتی بازجویی‌ها.....	۲۰۲
۳- ضبط ویدئویی بازجویی‌ها.....	۲۰۶
بند دوم: نظارت و بازبینی در سلب آزادی.....	۲۰۹
الف- نظارت مستمر بر سلب آزادی.....	۲۱۰
ب- بازبینی دوره‌ای سلب آزادی.....	۲۱۰
فصل دوم: حقوق شخص موضوع سلب آزادی.....	۲۱۵
مبحث اول: حقوق زمان اقدام به سلب آزادی.....	۲۱۶
گفتار اول: حق اطلاع از دستگیری و معاینه آن.....	۲۱۶
گفتار دوم: حق مطلع کردن دیگران از دستگیری.....	۲۲۰
مبحث دوم: حقوق زمان پس از سلب آزادی.....	۲۲۴
گفتار اول: حق بر مراقبت و توجه پزشکی.....	۲۲۴
گفتار دوم: حق بر اعتراض به سلب آزادی.....	۲۲۷
بند اول: اعتراض به بازداشت موقت.....	۲۲۷
بند دوم: هیئیس کورپس.....	۲۳۰
بند سوم: اعتراض به تداوم قرار بازداشت موقت.....	۲۳۴
گفتار سوم: دسترسی به وکیل.....	۲۳۴
بند اول: وکیل موظف.....	۲۳۴
بند دوم: وکیل اختیاری (تعیینی).....	۲۳۹
۱- بازجویی بدون انتظار حضور وکیل.....	۲۴۰
۲- بازجویی بدون وکیل.....	۲۴۳
گفتار چهارم: حق سکوت.....	۲۵۱
بند اول: رابطه‌ی حق سکوت و تعهد به پاسخگویی.....	۲۵۲
بند دوم: استثنائات حق سکوت توقیف شده.....	۲۵۲

۲۵۲	۱- توقیف رانندگان متخلف.....
۲۵۳	۲- اسرار دولتی.....
۲۵۳	۳- تروریسم.....
۲۵۴	۴- قوانین شرکت‌ها، ورشکستگی، اعسار، تصفیه و انحلال، بانکداری و غیره.....
۲۵۶	گفتار پنجم: حق بر جرمان خسارت.....
۲۶۲	گفتار ششم: حق برخورداری از معافیت‌های مالی.....
۲۶۳	نتیجه‌گیری.....
۲۶۵	نتیجه‌گیری و پیشنهادها.....
۲۷۳	منابع و مآخذ.....